

# Handwriting

Like in English, Persian handwriting is idiosyncratic; no two individuals write in exactly the same way. There is, however, some commonality-enough to establish rules for deciphering handwritten documents, letters and notes.

In the "Writing System" we established certain rules for forming letter blocks. Persian handwriting ignores some of those rules and introduces new ones. For instance, handwritten letters are not neatly placed one after the other in relation to an imaginary straight line. Some letters connect from above rather than from the side. And the dots, if present at all, are not where precisely they are expected. What follows, therefore, are some guidelines for deciphering handwriting.

The letters in the **jim**-group and the letter **mim**, for instance, connect from above in most people's handwriting:

حج	پنجره	محمود
سیم	غم	برنج

The letter **he** in the medial and the letter **ye** in word final position are also connected from above. The initial **mim** is written like an initial **fe** with the loop filled but no dot:

سهم	مهم	مهره
کی	کمان	تصمیم
ملت	مادر	ملکت

When the writer anticipates a "pile up" of letters all connected from above, naturally, she/he begins the first letter quite high and renders the letters one below the other so that the last letter in the chain rests on the line. Compare:



خوشبختانه	بیحجم	حجم
شهرسوار	لشکر	معلم

The **sad**-group, the **ta**-group and the 'eyn-group connect from below only:

مصدق	منظور	معبد
------	-------	------

The appearance, proportion, diacritics and the dots that accompany letters are also affected. Three dots, for instance, may appear as a circle and two dots as a small dash. In addition, the ligatures **ka** کا, **ga** گا, and **la** لا are rendered in somewhat less angular forms. Furthermore, other ligatures, created by allowing the nonconnecting letters to connect to letters that precede or follow them, are allowed:


توت	توت	شوش	شوش / شوس
گلو	گلو	کار	کار / کار
دا	دا	لار	لار / لار
بود	بود	دو	دو
آقا	آقا	شاد	شاد
		که	که / که

The hooks in the **sin**-group may be "smoothed out" resulting in this:  and this: . Examples:


شهر	شهر	دانشگاه	دانشگاه
شهر	شهر	بیت	بیت

Other letters, especially **he** (in final position) and the **re**- and **dal**-groups may receive a smoother transition: Compare:

شر	شر
ظفر	ظفر
اسد	اسد
به	به

In Indian Persian, like in Urdu, the initial **he**- is usually rendered like this: . Compare:



همان	همان
همان	همان

As a result, the plural marker **ha**  may appear like this:

میزها	میزها
میزها	میزها

In some rare instances the diacritic that appears underneath the initial **he**- appears underneath the medial form of the letter as well:

تنها	تنها
تنها	تنها

Letters in the **sin**-group, the **sad**-group as well as **nun**  and **ye**  may elongate their arabesque. Compare:

پس	پس
من	من

## Homework

The following excerpts are taken from the readings in the *Main Text*. With the help of the instructions for deciphering handwriting, read these passages and copy them in your own hand. If you confront any problems, refer to the footnotes on page 257.

ما، خدا کارگر کی نیست. بخت می‌تواند ما را برسد. (نخچه‌ها هم دروغ است).  
 این عکسها تر از نامه؟ راتر کدر گرفته‌اند. (۱)

اگر دام من در کجاست، با بزرگواران من از خیمه‌ها بیرون می‌روم. (۲)

آنها منم که در راه می‌روم. صبح من را می‌برد، در راه می‌برد.  
 دختر من را به تنه می‌برد. در راه او را دختر من در راه می‌برد. صبح من می‌برد.  
 صبح من در راه او را می‌برد. دختر من در راه می‌برد. (۳)

ما، خان، که در راه می‌برد. صبح من می‌برد.  
 صبح من می‌برد. خان، خدا خاتم رفت. صبح من می‌برد. (۴)

کج از سینه‌ها، سوار کف من خب تاخ می‌داد. اسم آن منم. بن هر. (۵)  
 جاتون منم در آن منم. جاتون منم. جاتون منم. (۵)

انتقد بهر ۱۹۷۹ وضع زمین در ایران را مانند در زمین کرد. بسیار  
از مردم گاه خود را از دست دادند و بسیار نیز گاه خوب دست آوردند.  
شناختم در دریا قهر و غم دیگر بخود گرفت و محبوب خود را در قفس  
ممنوع کردم. (۶)

گاه دیگر گفتم از یک کف است. (۷)

دیگر از گاه شناختم  
ما یکبارم، دیگران بخورند. (۸)

ارباب خودم سرت را با دست  
ارباب خودم با نگاه  
ارباب خودم نیز قفس  
ارباب خودم چرا میخندد؟ (۹)

زودتر از تر - سرختر از مرغ. (۱۰)

The best method for studying and deciphering handwriting is to begin with one individual's writing. Isolate the words in a sentence and study how the letters are connected. Once this process is applied to the entire letter, examine another letter by the same person. You will notice that the task gets easier. For the letter that follows, the words are already isolated and deciphered. Further instruction is included in the notes to Lesson Fifteen.

بانک / بانک	بانک
ملی / ملی	ملی
برادر / برادر	برادر
هرمز / هرمز	هرمز
که / که	که
هم / هم	هم
سلامت / سلامت	سلامت
شکر / شکر	شکر
کمی / کمی	کمی
شد / شد	شد
معذرت / معذرت	معذرت
میخواهم / میخواهم	میخواهم
تهران / تهران	تهران
طهران / طهران	طهران
بودم / بودم	بودم
کردم / کردم	کردم
شده ام / شده ام	شده ام
من / من	من
شما / شما	شما
بچه ها / بچه ها	بچه ها
بیاورید / بیاورید	بیاورید

شهسوار، بانك ملی  
کورش کارگر

برادر عزیزم ، هرمز

امیدوارم که هم تو و هم خانواده عزیزت سلامت باشید. ما هم ،  
خدا را شکر، همه سلامت هستیم. از اینکه نوشتن جواب نامه ات کمی  
دیر شد معذرت می‌خواهم. منتظر نامه ای از دانشگاه تهران بودم.  
امروز آن نامه را دریافت کردم و خوشبختانه در امتحان ورودی دانشگاه  
قبول شده ام. بزودی من و خانواده ام بتهران خواهیم رفت .

ما از شنیدن خبر آمدن شما و بچه ها بشهسوار خیلی خوشحال  
شدیم. انشاء الله ، اگر ممکن باشد، بجای شهسوار بتهران تشریف  
بیاورید.

برادرت - کورش

شهسوار - بانك ملی  
کورش کارگر

برادر عزیزم ، هرمز

امیدوارم که هم تو و هم خانواده عزیزت سلامت باشید. ما هم ، خدا را شکر، همه  
از انکه نوشتن جواب نامه ات کمی دیر شد معذرت می‌خواهم. منتظر نامه ای از دانشگاه تهران  
بودم. امروز آن نامه را دریافت کردم و خوشبختانه در امتحان ورودی دانشگاه قبول شده ام.  
بزودی من و خانواده ام بتهران خواهیم رفت .  
ما از شنیدن خبر آمدن شما و بچه ها بشهسوار خیلی خوشحال شدیم. انشاء الله ، اگر ممکن  
باشد، بجای شهسوار بتهران تشریف بیاورید.

برادرت - کورش

۱- کار خدا کار کوچکی نیست . هیچکس نمی تواند به ماه برود . این حرف ها همه دروغ است .  
این عکسهای توی روزنامه ها را توی کویر گرفته اند .

۲- انشاءالله سال دیگر همه ی ما برای دیدن شما از خرم آباد به شهنسوار خواهیم آمد .

۳- آقای شاهسون هر روز صبح ساعت هفت صبحانه اش را میخورد، سوار ماشینش میشود و دخترش را بدبستان می برد. در راه او با دخترش درباره ی مدرسه اش صحبت میکند و درباره ی معلمها و درس هایش از او چیزهایی میپرسد . دختر آقای شاهسون فقط ده سال دارد . او با پدرش درباره ی دوستهایش در مدرسه صحبت میکند .

۴- مادر جان ، شما در این باره چه فکر میکنید ؟  
شب جمعه من به مسجد ، خانه ی خدا ، خواهم رفت . شما در فکر من نباشید .

۵- یکی از سینماهای شهنسوار يك فیلم خوب نشان می داد. اسم آن فیلم " بن هور" بود و چارلتون هستون در آن بازی می کرد . دوست آقای شاهسون از این فیلم هستون خیلی خوشش آمد .

۶- انقلاب سال ۱۹۷۹ وضع زندگی در ایران را کاملاً دگرگون کرد . بسیاری از مردم کارهای خود را از دست دادند و بسیاری نیز کارهای خوب بدست آوردند . شنا کردن در دریای خزر شکل دیگری بخود گرفت و مشروب خوردن و رقصیدن ممنوع گردید .

۷- کار نیکو کردن از پر کردن است

۸- دیگران کاشتند ما خوردیم  
ما میکاریم تا دیگران بخورند

۹- ارباب خودم سرت را بالا کن  
ارباب خودم بها نگاه کن  
ارباب خودم بزب قندی  
ارباب خودم چرا نمی خندی ؟

۱۰- زردی من از تو  
سرخي تو از من